

Economic Human Components and Its Evaluation from a Jurisprudential Point of View

Hossein Niasti ¹, Javad Niknejad ^{2*}, Mohammad Alemzade ³

1. PhD Student in Private Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.
2. Associate Professor, Department of Private Law, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Private Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:229-244

Article history:

Received: 24 Apr 2024

Edition: 30 Jun 2024

Accepted: 27 Aug 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Economic Man, Personal Benefit, Hedonism, Calculator.

Corresponding Author:

Javad Niknejad

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0003-1956-1484

Tel:

02122350090

Email:

J.niknejad@yahoo.com

ABSTRACT

Background and purpose: The economic man is one of the important subjects of classical liberal economics, which is the subject of debate and disagreement. Based on this, the aim of this article is to examine the question of what are the components of economic man and what are the criticisms of the concept of economic man from the point of view of jurisprudence.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that personal gain, hedonism, calculation and rationality are the most important characteristics of an economic person. Criticisms have been added to the mentioned components, such as the fact that man is not only trying to gain personal benefit, man is not only hedonistic and has spiritual dimensions as well, and finally, human calculation is not absolute and faces limitations that deny the possibility of making the best choice. From the point of view of jurisprudence, the two principles of optimal use of facilities in the direction of both material and spiritual pleasure and creation of public welfare in such a way that justice is established are the most important characteristics of economic man.

Conclusion: In the Islamic vision, unlike the Western thought, which only thinks about hedonism and maximum materialistic pursuit, the ultimate goal is to achieve true happiness, desirable perfection and closeness to God. It seems necessary to change the components of economic man in its classical liberal sense.

Cite this article as:

Niasti, H; Niknejad, J; Alemzade, M. *Economic Human Components and Its Evaluation from a Jurisprudential Point of View*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



نقد انسان اقتصادی با نگاهی به فقه

حسین نیاستی^۱، جواد نیک نژاد^۲، محمد عالم زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران.

۲- دانشیار، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: انسان اقتصادی از موضوعات مهم اقتصاد لیبرال کلاسیک است که محل بحث و اختلاف نظر است. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر، بررسی این سؤال است که مولفه‌های انسان اقتصادی چیست؛ و از منظر فقهی چه نقدهایی به مفهوم انسان اقتصادی وارد است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد کسب منفعت شخصی، لذت‌گرایی و محاسبه‌گر و عقلایی بودن، از مهمترین ویژگی‌های انسان اقتصادی است. به مولفه‌های مورد اشاره نقدهایی وارد است؛ از جمله اینکه، انسان صرفاً درصدد کسب منفعت شخص نیست؛ بلکه دارای امیالی در راستای کسب منفعت جمعی نیز می‌باشد که در مفهوم انسان اقتصادی نادیده گرفته شده است. علاوه بر این، انسان صرفاً لذت‌گرا نبوده و دارای ابعاد روحی نیز می‌باشد و در نهایت اینکه محاسبه‌گرایی انسان، مطلق نبوده و با محدودیت‌هایی مواجه است که امکان بهترین انتخاب را از وی سلب می‌کند. از منظر فقهی نیز دو اصل استفاده بهینه از امکانات در راستای لذت توأمان مادی و معنوی و ایجاد منفعت و خیر عمومی به نحوی که عدالت برقرار شود مهمترین ویژگی‌های انسان اقتصادی است.

نتیجه: در بینش اسلامی، بر خلاف اندیشه غربی که تنها به لذت‌طلبی و کام‌جویی مادی حداکثری می‌اندیشد، هدف نهایی رسیدن به سعادت حقیقی کمال مطلوب و قرب الهی است. به نظر لازم است در مولفه‌های انسان اقتصادی در معنای لیبرال کلاسیک آن تغییر صورت گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۴۴-۲۲۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

انسان اقتصادی، منفعت شخصی، لذت‌گرایی، محاسبه‌گر.

نویسنده مسئول:

جواد نیک‌نژاد

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

02122350090

کد ارکید:

0000-0003-1956-1484

پست الکترونیک:

J.niknejad@yahoo.com

۱. مقدمه

انسان اقتصادی یکی از پایه‌های‌ترین مفاهیم اقتصاد جدید است. انسان اقتصادی، جنبه‌هایی از رفتارها و روحیات انسان است که در حوزه مطالعه اقتصاددانان قرار دارد؛ انسان اقتصادی که مبتنی بر نفع شخصی و سود مادی این جهان است و بر محوریت دئیسم، ناتورالیسم، فردگرایی و فایده‌گرایی مبتنی می‌باشد (ایروانی، ۱۳۹۱، ۳). انسان اقتصادی عامل بیشینه نمودن منفعت شخصی است و برای کسانی به کار می‌برند که عقلانیت را در جنبه ابزاری مشاهده می‌کنند. در این نوع نگرش، افراد با توجه به ترجیحات کامل، اطلاعات کامل و قدرت محاسبه بدون اشتباه، رفتاری را برمی‌گزینند که به‌گونه‌ای بهتر ترجیحاتش را تأمین کند و عقلانیت، بهترین ابزار برای رسیدن به این هدف است. انگیزه انسان در این نگاه، تقریباً به انگیزه مالی بستگی دارد (بافنده ایماندوست، ۱۴۰۰، ۸۲). اما این رویکرد در دهه ۱۹۴۰ همزمان با اوج‌گیری علوم رفتاری مورد انتقاد قرار گرفت (هادوی‌نیا، ۱۳۸۲، ۲۶). روند تکامل تاریخی الگوی انسان اقتصادی را باید در تحولات اندیشه‌های اقتصادی قرن هجدهم جستجو کرد. مرکانتالیست‌ها از قرن پانزدهم تا اواسط قرن هجدهم، سیاست افزایش ثروت از طریق دخالت بیشتر دولت در اقتصاد را هدف اصلی اقتصاد می‌دانستند و معتقد بودند افراد در سطح خرد باید به دنبال زر اندوزی بیشتر بوده و در سطح کلان نیز دولت باید به تأمین موازنه مثبت بازرگانی در بالاترین مقدار بپردازد (قدیری‌اصل، ۱۳۸۶، ۴). علم اقتصاد، کنشگران را به گونه‌ای توصیف می‌کند که به نحو عقلانی دست به انتخاب می‌زنند. «ابعاد انسان اقتصادی در نظریه اقتصاد خرد بدین‌گونه فرض می‌شود کنشگران اقتصادی نیازهایی دارند که باید

بر آورده شود. در عین حال آنها با کمبود منابع نیز روبرو هستند و امکان اینکه همه نیازها برطرف گردد، وجود ندارد، لذا در میان گزینه‌های پیش رو، دست ناگزیر به انتخاب هستند که این انتخاب، عقلانی خواهد بود. منظور از عقلانی بودن انتخاب‌ها این است که کنشگران اقتصادی، منافع و هزینه‌های هر گزینه را لحاظ نموده و براساس آنها تصمیم‌گیری می‌کنند (محتشم‌دولت‌شاهی، ۱۳۸۵، ۲۱-۲۰). در اقتصاد خرد نئوکلاسیک، عقلانیت مستلزم بیشینه‌سازی است (کوتر؛ ویولن، ۱۳۸۸: ۳۱؛ کرچگازنر، ۲۰۰۸: ۱۲؛ بیکر، ۱۹۸۶: ۱۰۹). بر این اساس، از نظر اقتصاددانان هر عامل یا کارگزار اقتصادی چیزی را حداکثر یا بیشینه می‌کند. به عنوان مثال مصرف‌کننده در صدد بیشینه‌سازی مطلوبیت و بنگاه اقتصادی در پی بیشینه‌سازی سود خود است.

آنچه بررسی موضوع حاضر را ضروری ساخته این است که اقتصاد اسلامی، تلاش دارد تا مبانی معرفت‌دینی را در کنار نظریات اقتصادی مورد بررسی قرار دهد و گزاره‌های توصیفی که واقعیت را مشخص و رابطه بین پدیده‌های اقتصادی را شناسایی نماید ارائه نماید. از آنجا که زیربنای پدیده‌های اقتصادی، رفتار تک‌تک افراد بشر به عنوان عوامل اقتصادی است، لذا رفتار بشر در تعیین پدیده اقتصادی و رابطه بین پدیده‌ها تعیین‌کننده و حائز اهمیت است.

در خصوص انسان اقتصادی پژوهش‌های محدودی انجام شده است: نگارندگان مقاله حاضر در مقاله‌ای، قبلاً حقوق اقتصادی از منظر فقه با تأکید بر انسان اقتصادی را بررسی کرده‌اند (حسین نیاستی، جواد نیک نژاد محمد عالم‌زاده، ۱۳۹۴) سیدناصر علم‌الهدی، محمدجواد توکلی نیز در مقاله‌ای، به بررسی و نقد سیر تحول اندیشه انسان

و دارای ابعاد روحی نیز می‌باشد و در نهایت اینکه محاسبه‌گرایی انسان، مطلق نبوده و با محدودیت‌هایی مواجه است که امکان بهترین انتخاب را از وی سلب می‌کند. از منظر فقهی نیز دو اصل استفاده بهینه از امکانات در راستای لذت توأمان مادی و معنوی و ایجاد منفعت و خیر عمومی به نحوی که عدالت برقرار شود مهمترین ویژگی‌های انسان اقتصادی است.

۵. بحث

۵-۱. مولفه‌های انسان اقتصادی

مولفه‌های انسان اقتصادی عبارتند از:

۵-۱-۱. پیروی از نفع شخصی

«اصلی‌ترین ویژگی انسان اقتصادی اسمیت و البته کلاسیک‌ها تا پیش از جان استوارت و بنتام میل پیروی از نفع شخصی بود. در ابتدا مفهوم انسان اقتصادی به صورت انسان منفعت طلب در آثار اقتصادی آدام اسمیت معرفی شد. مهم‌ترین ویژگی انسان اقتصادی منفعت طلب، پیروی از نفع شخصی در فعالیت‌های اقتصادی بود. سپس اندیشمند دیگر جان استوارت میل سعی نمود با استفاده از آموزه «لذت‌گرو» بنتام، کاستی‌های انسان اقتصادی منفعت طلب را برطرف نماید و این گونه بود که انسان اقتصادی لذت‌گرا را معرفی کرد» (بلاگ، ۱۳۸۰، ۱۰۰). «سپس نئوکلاسیک‌ها با کمی نمودن خصیصه لذت‌گرایی انسان، مفاهیم جدیدی همچون مطلوبیت را مطرح ساختند که با توجه به آن مفاهیم، انسان اقتصادی محاسبه‌گر را ارائه کردند. ظهور و پیدایش علوم انسانی جدید ثمره نگاه اومانستی بود» (ساندلین و دیگران، ۱۳۹۶، ۳۹).

اقتصاد نیز به عنوان یکی از این علوم، برپایه رویکرد انسان مستقل و بی‌نیاز از عالم متافیزیک بنا شد. اولین اقتصاددانان در زمره فلاسفه‌ای بودند که

اقتصادی در اقتصاد متعارف پرداخته‌اند (علم الهدی، توکلی، ۱۳۹۴) همچنین داود منظور، علی سعیدی و حمیدرضا مقصودی در مقاله‌ای، اصول موضوعه حاکم بر رفتار انسان اقتصادی از منظر معرفت‌دینی را بررسی کرده‌اند (منظور، سعیدی و مقصودی، ۱۳۹۲) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده این است که درصد بررسی مولفه‌های انسان اقتصادی و ارزیابی آن از منظر فقهی است. بر اساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که مولفه‌های انسان اقتصادی چیست و از منظر فقهی چه نقدهایی به مفهوم انسان اقتصادی وارد است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مولفه‌های انسان اقتصادی بررسی و در ادامه انسان اقتصادی از منظر فقهی نقد شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد کسب منفعت شخصی، لذت‌گرایی و محاسبه‌گر و عقلایی بودن، از مهمترین ویژگی‌های انسان اقتصادی است. به مولفه‌های مورد اشاره نقدهایی وارد است از جمله اینکه انسان صرفاً درصد کسب منفعت شخص نیست؛ بلکه دارای امیالی در راستای کسب منفعت جمعی نیز می‌باشد که در مفهوم انسان اقتصادی نادیده گرفته شده است. علاوه بر این انسان صرفاً لذت‌گرا نبوده

«اسمیت در پی آن بود نظامی را بنا نهد که از روش‌های علوم طبیعی بهره گیرد، ولی خود می‌دانست که یک دانشمند علوم اجتماعی با مشکلات زیاد و پیچیده‌ای مواجه است: او آزمایشگاه ندارد؛ ابزار سنجش او بسیار ناقص است و یا اصولاً وجود ندارد؛ امکان آزمایش مجدد با شرایط کاملاً یکسان نیز برای وی مقدور نیست بدین روی، در تبیین منظومه فکری خود، از روش تلفیقی استفاده کرد. همانگونه که بلاگ اشاره می‌نماید او اشکال کاملاً متفاوتی از استدلال را در بخش‌های گوناگون آثار خود به کار برده است» (بلاگ، ۱۳۸۰، ۱۰۰).

تلقی نفع شخصی انسان منفعت طلب از نظریه انتخاب عقلانی از پیش‌بینی‌های مدل مطلوبیت مورد انتظار، در خصوص شیوه تلاش کنشگر برای دستیابی به مطلوبیت خود آغاز می‌کند، ولی پیش‌بینی‌هایی را درباره اهداف و ترجیحات وی یعنی در مورد محتوای تابع مطلوبیت کنشگر، به آن می‌افزاید.

۵-۱-۲. انسان اقتصادی لذت‌گرا

انسان اقتصادی منفعت طلب با این که توانست نظامی ساده و نسبتاً گویا از یک نظام اقتصادی به نمایش بگذارد؛ اما دارای نارسایی‌های جدی بود. گسستگی از اخلاق، خوش‌بینی غیرعلمی، و ناتوانی در تبیین صحیح ارزش بخشی از این نارسایی هاست. همین مسائل سبب شد انتشار نظریه لذت‌گرایی بنام این شانس را برای اقتصاددانانی به وجود آورد که نارسایی‌های نظریات اسمیت را با استفاده از این نظریه تا حدی از بین ببرند. بنابراین جان استوارت میل با مبنا قرار دادن نظریه بننام، سعی کرد انسانی اقتصادی معرفی کند که خالی از اشکالات مطرح در دیدگاه اسمیت و بننام باشد. بنام از بین تمام انگیزه‌های انسان، تنها لذت‌گرایی

سعی کردند با نگاه انسان محوری خود، در برابر سلطه سوداگران بر مناسبات اقتصادی، زمینه پیدایش یک نظام جدید را مهیا نمایند. در بین تمام فلاسفه‌ای که در این دوره سعی کردند رفتارهای اقتصادی انسان را به شیوه‌ای نوین معرفی نمایند، آدام اسمیت توانست اقتصاد را نظام‌مند کند. وی فیلسوف، جامعه‌شناس و اقتصاددان اسکاتلندی بود. در سال ۱۷۲۳ م به دنیا آمد. وی اولین فعالیت علمی خود را در دانشگاه گلاسکو با شاگردی دانشمندی اسکاتلندی به نام فرانسیس هاجسون آغاز کرد. در خصوص اثرپذیری اسمیت از دیگر دانشمندان، نظرانی مطرح شده است؛ اما آنچه در این بین حایز اهمیت است، تأثیرپذیری زیاد اسمیت از فرانسیس هاجسون و وفاداری‌اش به روش فلاسفه اسکاتلندی است. روشی که به نظر می‌رسد در هر دو کتاب خود، احساسات اخلاقی و ثروت ملل، عملیاتی شده است» (رافائل، ۱۳۷۵، ۱۱۶).

در خصوص روش فلاسفه اسکاتلندی در تبیین مسائل می‌توان گفت که تعیین ویژگی‌های روش‌های تاریخی مکتب اسکاتلندی کار ساده‌ای نیست؛ زیرا نه آدام اسمیت و نه دیگر اعضای این مکتب به صورت مکتوب اشاره چندانی به این روش‌ها نکرده‌اند. وی که مجذوب ترکیب نظام یافته علمی پدیده‌های طبیعی نیوتن شده بود، سعی کرد نظام‌هایی در سه حوزه فلسفه اخلاق، تاریخ، و اقتصاد پایه‌ریزی کند. هیوم یکی از پیش‌تازان این عرصه بود که آدام اسمیت دوستی نزدیکی با او داشت و به موفقیت‌هایی در هر سه زمینه دست یافت. از این رو به اعتقاد بلاگ، اسمیت متفکری نظام‌ساز بود» (بلاگ، ۱۳۷۵، ۹). همین خصیصه او را از دیگر اقتصاددانان عصر خود متمایز کرده و شایسته عنوان «پدر علم اقتصاد نوین» شد

قوانین نفع شخصی است، از دست نمی‌دهد (قدیری اصلی، ۱۳۸۶، ۲۱۱). نوعی رفتار منطقی در پیروی از نفع شخصی برای حذف رفتارهای غیر منفعت طلبانه برخی افراد معرفی می‌کرد، بنتام پا را از آن فراتر گذاشته و عقلانیت را صرفاً پیروی از اصل سودمندی تصور نمود و پیروی از اصل «سودمندی» را صرفاً در محاسبه و مقایسه بین لذت‌ها و دردها معرفی کرد. وی معتقد بود من هنگامی پیرو اصل سودمندی هستم که پسندیدگی یا ناپسندیدگی هر کاری را، خواه عمومی باشد یا خصوصی، از لحاظ گرایش آن به ایجاد دردها و لذتها اندازه بگیرم (تامس جونز، ۱۳۹۲، ج ۲، ۴۸۵). پس در واقع، «عقلانیت» یعنی: محاسبه لذت‌ها و دردها؛ یعنی: انسانی عقلانی عمل می‌کند که بتواند محاسبه‌گر باشد. جان استوارت میل از این محاسبه‌گری برای تبیین آزادی استفاده کرد.

۵-۱-۳. انسان اقتصادی محاسبه‌گر

نظریه بنتام شروع فصل جدیدی در نظریات اقتصادی بود. هرچند بنتام نظریه‌اش را برای یک نظام اقتصادی ارائه نکرد، ولی نشر نظریه او توسط جان استوارت میل و بعد اقتصادی دیدگاه او سبب شد این نظریه به راحتی جای خود را در میان اندیشمندان اقتصادی باز نماید، به گونه‌ای که اقتصاددانان بسیاری آن را مبنای تحلیل نظریات خود قرار دادند و اقتصاد سیاسی کلاسیک‌ها جای خود را به اقتصاد خرد نئوکلاسیک داد. ما در صدد بیان این موضوع نیستیم که اساس مکتب نئوکلاسیک چیست و پایه‌گذاران آنچه کسانی هستند، بلکه صرفاً در صدد بیان یک نکته جذاب درباره این مکتب و در نظریات اقتصاددانان این دوره - خواه نئوکلاسیک خوانده شوند یا غیر آن هستیم. کاربردی کردن نظریه بنتام و میل در خصوص سرشت انسان، نکته‌ای است که سرنوشت

را به رسمیت می‌شناخت و می‌کوشید همه چیز را به همین انگیزه بازگرداند (تامس جونز، ۱۳۹۲، ج ۲، ۴۸۵). تلاش جان استوارت میل در تبیین دقیق‌تر لذت را می‌توان در تبیین ارتباط مفاهیمی همچون فایده، خوشایند و مفید با مفهوم لذت مشاهده کرد. از منظر وی، زمانی که از فایده سخن به میان می‌آید و یا از خوشایندی و رضایت صحبت می‌کنیم و یا وقتی مفید بودن چیزی را بررسی می‌کنیم، در واقع، می‌خواهیم از لذت بخش بودن آن اطمینان حاصل کنیم. این تبیین مانع از سردرگمی خواننده را در مطالعه آثار فایده‌گرایان می‌شود (میل، ۱۳۵۸، ۵۶-۵۵).

جان استوارت میل معتقد بود: هرچه غایت افعال بشر باشد، ضرورتاً معیار اخلاق هم هست، لذا از مفهوم لذت برای تبیین ارزش اخلاقی نیز استفاده کرد و از این راه توانست ارتباطی منطقی بین انسان اقتصادی و انسان اخلاقی به وجود آورد. وی دایره فایده را از فایده شخصی گسترده‌تر کرد و شامل فایده دیگران هم ساخت. از همین رو، دیگر گرای را نیز به رسمیت شناخت تا مبتلابه اشکالات مربوط به خودخواهی نشود. وی با این تبیین، توانست علاوه بر آنکه معیاری مشخص برای اخلاق به دست آورد، بین معیار اخلاق و هدف انسان از افعال اختیاری اش نیز وحدت برقرار سازد (میل، ۱۳۹۸، ۶۵-۷۵).

اما نکته حایز اهمیت این است که میل با استفاده از توسعه در مفهوم فایده، خودگروی اخلاقی را رد کرد. اما راه را برای خودگروی روان شناختی مسدود ساخت. از منظر وی، شرایط و مقتضیات خاص جامعه انسانی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ولی این شرایط و مقتضیات تصورات افراد جامعه است. از همین رو، برای میل انسان در اجتماع، خاصیت و طبیعت انسانی خود را، که تابع

است. رابطه بین انسان اقتصادی منفعت طلب و جامعه یکی از اشکالات عمده ای است که بر انسان اقتصادی منفعت طلب گرفته می‌شود» (فولی، ۱۳۹۲، ۱۵).

در کل به انسان منفعت طلب این ایرادها وارد است: الف. نادیده گرفتن تأثیر جامعه بر انسان اقتصادی منفعت طلب.

نادیده انگاشتن تأثیرات جامعه بر انسان اقتصادی از جمله نقدهایی که نهادگرایان بر این نوع از انسان وارد می‌کنند، اسمیت فضای زندگی اقتصادی را از فضای زندگی اجتماعی انسان متمایز نموده است. به اعتقاد نهادگرایان، این جدایی کاملاً اشتباه است؛ فلذا باید تعامل این انسان و تأثیر و تأثرات او با جامعه را نیز در نظر بگیریم. دانکن فولی در کتاب مغالطه آدم اسمیت این مطلب را یکی از مغالطات آدم اسمیت بیان می‌کند. در واقع، ثمره این دیدگاه درباره انسان، این است که دیگر از انسان در یک فضای واقعی بحث نمی‌شود، بلکه از او در یک فضای انتزاعی صحبت می‌شود و نتیجه‌اش این است که علم اقتصاد در انتزاعی‌ترین و جذاب‌ترین سطح، بحثی فلسفی و بر اساس حدس و گمان است، نه علمی قیاسی یا استقرایی» (فولی، ۱۳۹۲، ۱۷).

بنابراین اگر بخواهیم تصویری صحیح از انسان اقتصادی ترسیم نماییم ناگزیر باید نقش جامعه و نهادهای موجود در آن را در این انسان نادیده نگیریم. هرچند خود نهادگرایان نیز تصویر صحیحی از انسان درون جامعه ارائه نمی‌دهند و با اتکا بر نظریه تکامل داروین به بیراهه می‌روند، ولی همین مقدار که انسان را جدای از جامعه به تصویر نمی‌کشند، پیشرفتی برایشان به حساب می‌آید. از همین‌رو، می‌بینیم که نکته اصلی در نظریه و بلن، درک این مهم است که ترجیحات افراد مادرزادی

علم اقتصاد را کاملاً دگرگون ساخت. ضعف‌هایی که در نظریه ارزش اسمیت و به تبع او، ریکاردو وجود داشت، تا حد زیادی با این نظریه برطرف شد و زمینه را برای رشد و بالندگی نظریه اقتصاد خرد فراهم ساخت» (رابینز، ۱۳۸۴، ۳۴۹). همین کاربردی شدن فایده‌گرایی بود که آن را از نقدهای موشکافانه دیگر فلاسفه غربی در امان داشت و تمام توجهات را به خود جلب کرد.

۵-۲. نقد انسان اقتصادی

در این قسمت به نقد مولفه‌های انسان اقتصادی پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. نقد منفعت طلب بودن انسان

پرسش این است که آیا اسمیت که منفعت طلبی را اساس انسان‌شناسی خود قرار می‌دهد، این نتیجه تحقیقات تجربی وی بر روی انسان است، یا محصول تفکرات فلسفی وی و فلاسفه پیش از اوست؟ پاسخ به این سؤال، چندان مشکل نیست. اگر بررسی در کتاب ثروت ملل اسمیت حاصل کنیم، آن را خالی از هرگونه گزارش درباره مطالعات تجربی وی بر روی انسانهای گوناگون برای به دست آوردن انگیزه‌های ایشان در فعالیت‌های اقتصادی یا غیراقتصادی می‌بایم. از سوی دیگر، استفاده از منفعت‌طلبی را در هستی‌شناسی انسان در نظریات فلاسفه قرن هفدهم و هجدهم به وفور می‌توان یافت. نگرش پیروی از نفع شخصی در ساختار جدید خود، از اندیشه‌های توماس هابز شروع شده است (جابری، ۱۳۸۹، ۱۲۹). این نگرش یک انتزاع فلسفی و زاییده ذهن فلاسفه آن دوره است که نه دلایل تجربی برای آن آورده‌اند و نه برهان فلسفی محکمی برای آن اقامه نموده‌اند، بلکه آن را به عنوان یک پیش فرض وجدانی وارد تحلیل‌های خود ساخته‌اند و اسمیت نیز به نحو شایسته‌ای از آن در جهت تبیین نظریات خود استفاده کرده

اینجا نیز جاری و ساری است: آیا نظریه بنتام - و به تبع او، جان استوارت میل - ناشی از انسان شناسی تجربی او بود، یا انسان شناسی فلسفی؟ در پاسخ می‌توان گفت بنتام با توصیفی که برونوفسکی از شخصیت وی به عمل می‌آورده، نمی‌توانسته است یک انسان‌شناس تجربی باشد. از نظر برونوفسکی، قوه تخیل بنتام چندان قوی نبود. بی‌تجربگی او درباره زندگی واقعی که شاید ناشی از گوشه نشینی زاهدانه او بود به شدت آگاهی او را از سرشت بشر محدود می‌کرد» (برونوفسکی؛ مازلیش، ۱۳۷۹، ۵۸۱).

«درک و فهم فلسفی بنتام از سرشت انسان نیز به جای آنکه مستدل به براهین دقیق باشد، مبتنی بر یک درون‌یابی است، خود وی پس از اینکه در تلاش برای مبرهن ساختن این دیدگاه شکست می‌خورد، بیان می‌کند که آیا ما می‌توانیم اصل فایده‌مندی را بی مقدمه اثبات کنیم؟ به نظر می‌رسد که امکان ندارد؛ زیرا خود آن چیزی که برای اثبات چیزهای دیگر به کار می‌رود، قابل اثبات نیست. زنجیره دلیل‌ها باید در جایی آغاز شود. همانگونه که ارائه چنین دلیلی ممکن نیست و نیز به آن نیازی هم نیست» (برونوفسکی؛ مازلیش، ۱۳۷۹، ۵۷۳).

علاوه بر این به انسان اقتصادی لذت‌گرا ایراداتی به شرح زیر وارد است:

الف: درک نادرست از لذت

همانگونه که برونوفسکی اشاره می‌نماد، «بنتام به گوشه نشین میدان کوبین معروف بود. ولی این تنها دلیلی نیست که نظریات وی را صحیح ندانیم، هرچند شخصیت هر فرد اثرات عمیقی بر افکار وی دارد. به سبب آنکه بنتام تمام تمرکز فکری خود را بر روی کلمه لذت قرارداد بود، بر انتزاعی میان تهی تکیه کرد و نتوانست تبیین دقیقی از لذت داشته

نیست، بلکه آنها به شدت تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار داشته و خواست‌های آنها در بستری اجتماعی - فرهنگی شکل می‌گیرد» (مشهدی احمد، ۱۳۹۲، ۱۶۰).

ب. گسستگی انسان اقتصادی منفعت‌طلب از اخلاق همان‌گونه که ذکر شد، اسمیت در معرفی منظومه فکری خود، یک پیش فرض اساسی را مورد توجه قرار داد. وی فضای اقتصادی زندگی انسان را از سایر حوزه‌های علوم اجتماعی منفک کرد. از همین رو می‌بینیم که اسمیت اخلاقی، حس‌همدردی را به عنوان حلقه متصل کننده افراد جامعه به یکدیگر در نظر می‌گیرد، ولی اسمیت اقتصادی، این نقش را به پیروی کردن از نفع شخصی ارتباط می‌دهد. اخلاق در نظام اقتصادی اسمیت، قابلیت چندان برای مطرح شدن ندارد.

ج. مشکل عدم تأمین منافع توسط انسان اقتصادی منفعت‌طلب

در معرفی نظریات اسمیت، این سؤال مطرح شد که با توجه به روش فردگرایانه اسمیت، منافع اجتماع چگونه تأمین می‌شود؟ ابتدا باید دانست که از منظر اسمیت، فرد نه تنها به دنبال منافع اجتماعی نیست، بلکه فراتر از آن، نباید در پی منافع اجتماعی باشد (تفضلی، ۱۳۷۵، ۸۳). وی معتقد است: اگر منافع تک تک افراد جامعه تأمین شود، بالطبع منافع جامعه نیز تأمین می‌گردد؛ زیرا وی خوش بین است که نیاز افراد جامعه به یکدیگر، موجب تعدیل غریزه منفعت‌طلبی می‌شود و یک فرد برای به دست آوردن منافع خود، مجبور است منافع دیگر افراد جامعه را نیز تأمین نماید.

۵-۲-۲. نقد انسان اقتصادی لذت‌گرا

هرچند برخی از اشکالاتی که به نظریات اسمیت مطرح شد شاید به این دیدگاه وارد نباشد، ولی اولین اشکالی که به نظریه اسمیت وارد شده در

۵-۲-۳. نقد انسان اقتصادی محاسبه‌گر

انسان اقتصادی محاسبه‌گر از دو جهت قابل نقد است:

الف. تناقض درونی

«تناقض درونی حکایت از آن دارد که انسان اقتصادی محاسبه‌گر موجب شد تا راه برای استفاده هرچه بیشتر اقتصاددانان از محاسبات ریاضی هموار نمود. هرچند ریاضیات دقت بیشتری به این علم میداد، ولی در مقابل، از عمق بحث‌های این علم کاست. با تکیه زیاد به ریاضیات، انسان اقتصادی به یک کاریکاتور فرضی تبدیل شد، به گونه‌ای که آدمیان دیگر فقط به عنوان نیروها به حساب می‌آیند و به صورت اشکال و پیکانهای کتاب‌های مکانیک نمودار می‌شوند» (ژید، ریست، ۱۳۷۰، ج ۲، ۱۷۲ - ۱۷۱). «از طرفی دیگر، فرض تمامی اندیشه‌های اقتصادی این است که بازیگران اقتصادی (کارگران و کارآفرینان اقتصادی) موجوداتی آزادند؛ آزادی که شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین اصلی بود که اسمیت در کتاب خود، به دنبال تحقق آن بود؛ اصلی که اقتصاددانان پس از اسمیت نیز به دنبال تحکیم هرچه بیشتر آن بودند. ولی این موجودات آزاد در مواجهه شدن با رویدادهای خاص (مثل تغییر در مالیات‌ها و کاهش دستمزدها) با هماهنگی فوق‌العاده رفتار می‌کنند و حتی می‌توان گفت که با بی‌فکری آدم آهنی عمل می‌کنند. چرا چنین است؟ چون میل اخلاقی به آزادی، با اشتیاق معرفت‌شناختی برای حصول یقین اصطکاک پیدا می‌کند. آزادی حقیقی آن است که شخص هرچه را بخواهد بتواند انجام دهد. این تناقض درونی بزرگی است که با توجه به آن، باید یا از آزادی اقتصادی دست کشید، یا از تحلیل‌های دقیق ریاضیاتی» (بهمن‌پور، ۱۳۷۹، ۷۶).

باشد» (تامس جونز، ۱۳۹۲، ۴۹۲). یکی از نارسایی‌های نظریه او خلط بین انگیزه و هدف است. بنام لذت را به خودی خود، مطلوب می‌دانست، از این رو معتقد بود که لذت علت غایی تمام فعالیت‌های انسان است. این در حالی است که لذت در واقع، پاسخی است که ما به کسب چیزهایی می‌دهیم که آنها را مستقلاً و به خاطر خودشان خوب می‌دانیم. بنابراین، لذت به انسان انگیزه می‌دهد که به سمت هدفی حرکت کند، نه اینکه خود لذت هدف باشد. چنین مدعایی این است که انسان با انگیزه لذت به عملی مشغول می‌شود، ولی پس از رسیدن به آن عمل و لذت بردن از آن، حالت پشیمانی بر وی عارض می‌گردد. اگر لذت به خودی خود مطلوب باشد، این پشیمانی چیست؟» (ریچلز، ۱۳۸۷، ۱۶۰).

ب: درک ساده انگارانه از انگیزه‌های انسان (انحصار انگیزشی)

همان‌گونه اشاره شد، بنام مدعی است: همه افراد انسان همیشه جویای لذت خویش هستند و بجز جویایی لذت، کار دیگری ندارند اینکه یکی از انگیزه‌های انسان لذت است، امری غیرقابل انکار است. ولی انحصار انگیزش انسان در لذت، به هیچ وجه صحیح نیست. اما این نگاه حاوی مغالطه است. میلی که در ظاهر، ایثارگرانه و غیرخودبینانه به نظر می‌رسد و هدف آن فایده رساندن به دیگران است، با تصور این واقعیت که ما با تحقق آن میل به لذت دست می‌یابیم، تبدیل به میل خودبینانه می‌شود. این در حالی است که لذت بردن ما از فایده رساندن به دیگری موجب نمی‌شود انگیزه ما به خودخواهی مبدل شود، بلکه بعکس، ثابت می‌کند که ما هدفی بجز لذت داشته‌ایم - یعنی رساندن فایده‌ای به دیگری - و حال که به هدف خود رسیده‌ایم، احساس رضایت می‌کنیم (نصیری، ۱۳۹۸، ۳۸۶).

ب. کالا واره شدن جامعه

به عقیده استوارت میل: انسان محاسبه‌گر به عنوان یک پیش فرض وارد مباحث اقتصادی شد و شاید لازم به گفتن نباشد که اصلی که بیان کردم شامل افرادی می‌شود که از هر لحاظ رشد کامل یافته اند... اصل کلی آزادی قابل تطبیق با وضع آن اجتماع نیست که در آن هنوز افراد نیاموخته‌اند با بحث آزاد و با مساوات در بحث مشکلات خود را حل کنند و به اراده خود مشغول باشند» (میل، ۱۳۵۸، ۲۵-۲۶).

«اما پس از گذشت یک قرن، می‌بینیم که این انسان محاسبه‌گر دیگر یک فرض خیالی نیست، بلکه تبدیل به یک واقعیت خارجی شده است. واقعیتی که هر روز در حال همه‌گیر شدن است. عقل و منطق، دیگر از تأثیر شناخت عقلی بر انگیزه افراد سخنی به میان نمی‌آورد. عقل قادر نیست در تصمیم‌گیری برای انتخاب اهداف نهایی به انسان کمک کند، بلکه عقل فقط ابزاری است برای نشان دادن راه رسیدن به هدف؛ یعنی عقل صرفاً ابزار محاسبه است. این یعنی: عقلانیت ابزاری. ثمره ابزاری شدن عقل یا به عبارت دیگر، محاسبه‌گر شدن انسان این است که جامعه کالا واره می‌گردد؛ بدین معنا که وقتی عقل ابزاری معیار تحلیل قرار گرفت، کنش‌های اجتماعی دیگر با ارزش‌ها، هنجارها یا فهم زبانی تنظیم نمی‌شوند، بلکه از طریق ارزش تبادل سنجیده می‌شوند. روابط بین افراد و بین ذهن و ذهن برای عقل ابزاری هیچ اهمیتی ندارد؛ زیرا عقل ابزاری تنها به ارزش مبادله این امور می‌اندیشد» (بهمن پور، ۱۳۷۹، ۷۶). بر این اساس است که پیوندهای اخلاقی جامعه از هم گسسته می‌شود و بحران‌های اجتماعی به وجود می‌آید.

سایمون معتقد است که «بر اساس یافته‌های تجربی و نظریه‌های علم روانشناسی، انسانها فاقد قدرت محاسباتی کاملی هستند که در نظریه انسان اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد در موقعیت‌های واقعی انتخاب انسان‌ها با قدرت محاسباتی کاملی عمل می‌کنند، بنابراین سایمون مدلی معرفی می‌کند که بر اساس آن انسان دارای دانش و توانایی محدود است. رفتار فرد به نحو هدفمند عقلانی است» (سایمون، ۱۹۵۵، ۱۱۴). ولی صرفاً به نحو محدودی چنین است. یعنی انسان از «عقلانیت محدود» برخوردار است.

۵-۳. نقد انسان اقتصادی از دیدگاه فقهی

در حالی که انتقادهای معتبری به فروض اساسی اقتصاد مدرن به طور کلی و اقتصاد نئوکلاسیک به طور خاص وارد است و خیلی از انتقادهای داخل بافت غرب ارائه شده است، از منظر اسلامی جا برای جایگزینی و درک وسیع‌تری از رفتار انسان در اقتصاد وجود دارد. ویژگیهای خصوصیات یک انسان اسلامی را می‌توان از ویژگیهای ارائه شده برای مؤمنین در قرآن و حدیث استخراج کرد. حداقل در قرآن بیش از شصت ویژگی در این زمینه ارائه شده است. اصطلاح عمل صالح برای فعالیت‌هایی است که توسط قرآن و حدیث برای مؤمنین ضروری دانسته شده‌اند. عمل صالح هر فعالیتی است که نتایج آن به نفع دیگران باشد یا تعادل را در جامعه برقرار سازد و یا نتایج آن عدم تعادل را در جامعه رفع کند. از این روی دامنه محدود یک مقاله نمی‌تواند تمام این ویژگی‌ها را به تفصیل شرح دهد. برخی از این ویژگیها بدین شرح هستند: ایمان، رضایت پروردگار، ترس از روز جزا، حرمت ربا، انفاق، مفهوم حلال و حرام، مواظبت از مردم فقیر جامعه. در ادامه بر اساس نظریات

تحمیل یا اعمال کرد. یکی از مهم‌ترین تفاوت میان انسان اقتصادی و انسان اسلامی در فرض نوع دوستی است. همانند سایر سیستمهای ماقبل سرمایه داری، اسلام به طور پر مشغله‌ای با رفاه یک جامعه مواجهه است که در آن هر شخص نوع دوستانه و مطابق با هنجارهای مذهبی، درست رفتار می‌کند.

۵-۳-۲. انسان اقتصادی لذت‌گرا

لذت‌گرایی در اسلام همیشه همراه با ارزشهای اخلاقی است که در واژه نامه اسلام دلالت بر یک نگرش مثبت نسبت به زندگی و دیگر انسانها دارد. تعقیب پیشرفت اقتصادی مطابق اسلام نه تنها مذموم نیست بلکه حتی مورد تأکید هم است. هدف اصلی توسعه اقتصادی مورد نظر اسلام رواج معنویت و تقوی، گسترش خداپرستی، تحکیم ارزشهای اخلاقی و تضمین سعادت واقعی انسان نیل به تقرب الهی و رسیدن به جایگاه شایسته جانشینی خداوند می‌باشد زیرا بدون دستیابی به این هدف توسعه پایدار و بدون تضاد مختل‌کننده نظام اجتماعی حاصل نخواهد شد. ضمن اینکه هزینه‌های اجتماعی ناشی از روند توسعه اقتصادی با تحکیم ارزش‌هایی که اخلاق را در جامعه نفوذ می‌دهد تقلیل می‌یابد و کارایی اقتصادی را به سوی حد مطلق سوق می‌دهد (صدر، ۱۳۸۸، ۹۹).

«در اسلام رفاه اقتصادی وسیله است نه، هدف لذا از این وسیله جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف غائی توسعه در اسلام نمی‌توان انتظار داشت. بنابر این برنامه اقتصادی اسلامی فراهم آوردن زمینه بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری در راستای استمرار حرکت تکاملی انسان و نیل به سعادت

اندیشمندان اسلامی و آیات قرآن در سه محور عقلانیت و نفع شخصی و انواع ترجیحات دیدگاه اسلام بیان می‌شود.

۵-۳-۱. نفع شخصی

منافع شخصی در یک شیوه عملی از دیدگاه قرآن حتی موقعیت در زندگی اخروی هم مهم است (صف/۱۰). قرآن موقعیت در زندگی اخروی را به عنوان یک معامله یا تجارت معرفی می‌کند که این هم از روی جزئی از تمایلات انسان بر گرفته شده است (توبه/۱۱۱). از آنجا که معامله، تجارت یا کسب و کار است لذا یک فرایند مبتنی بر منفعت شخصی مردم می‌باشد. قرآن به وضوح به منافع خود به عنوان خصیصه بنیادین رفتار انسانی اذعان کرده است. بعضی انتقادهای وارده به اصل پیگیری نفع شخصی فردگرایی افراطی و مادی-گرایی آن را هدف قرار داده‌اند و برخی دیگر دارای ریشه‌های ماهیت دینی هستند (هادی‌نیا، ۱۳۸۵، ۶۹).

یک انسان مسلمان با اعتقاد به توحید نمی‌تواند همه امورش را بر محور خویشتن تنظیم کند بلکه محور رفتار او توحید و دستورات الهی است. از طرفی دیگر اعتقاد به زندگی جاودانه اخروی باعث می‌شود نفع واقعی برای یک مسلمان منافع اخروی باشد و منافع او فراتر از منافع مادی این دنیا باشد. قابل توجه است که منافع خود نباید با حرص و ولع و طمع برابر دانسته شود بلکه اقدامات مبتنی بر آگاهی از منفعت خود را معنی می‌دهد (قحف، ۱۳۸۵). از یک مسلمان انتظار «حسابگر» بودن در همه شرایط می‌رود که نه فقط در پیامدهای اقتصادی یک تصمیم بلکه عواقب احتمالی‌اش را در زندگی اخروی را نیز در نظر بگیرد (جاثیه/۱۵؛ نحل/۷). با این حال این بیشتر یک امر شخصی بین فرد و خدا است و نمی‌توان با وضع قانون آن را

۵-۳-۳. عقلانیت و محاسبه‌گری از نظر اسلام

به طور کلی اقتصاددانان مسلمان عقلانیت را پذیرفته‌اند؛ اما تفسیر سنتی از عقلانیت در علم اقتصاد را به دلایلی چون ناسازگاری با ارزش‌های اسلامی، فاقد هنجارهای اسلامی بودن، مبتنی بودن بر فلسفه سرمایه‌داری و مردود بودن نفع شخصی صرف در اسلام قابل قبول نمی‌دانند.

اندیشمندان اقتصاد اسلامی به دنبال انتقاد از مفهوم ابزارهای عقلانیت در علم اقتصاد، با ارائه چارچوبی برای عقلانیت اسلامی سعی دارند که مشکل فقدان ابزار تصمیم‌گیری مناسب برای عاملان اقتصادی در سطح خرد در مباحث اقتصاد اسلامی را حل کنند. اسلام عقلانیت حقیقی را برای یک فرد مسلمان ارائه می‌دهد که دربردارنده هر دو نوع عقلانیت ابزاری و هدف نگر است و در مسیری هم جهت با ترجیحات حقیقی فرد مسلمان قرار دارد؛ در ضمن اینکه عقلانیت اسلامی دارای نقاط مشترکی با قرائت‌های مختلف عقلانیت در نزد اقتصاددانان است ولی مطابق با آنها نبوده و متمایز می‌باشد، لذا از این منظر اسلام دید جامع‌تری نسبت به هر دو گروه اقتصاددانان در مورد عقلانیت دارد (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۸۹).

طبق دیدگاه اسلام انسان دارای یک بعد مادی و یک بعد روحی است لذا نیازها و تمایلات او نیز در هر دو محور مهم هستند و هدف زندگی یک انسان اسلامی خدمت به دیگران برای رضای پروردگار است. ولی نادیده انگاشتن بعد روحی انسان در مبانی مکتب سرمایه‌داری باعث تنزیل مقام والای آدمی می‌شود. اعتقاد پیروان اسلام به روز جزا و زندگی در آخرت به طور لاینفک همراه با اعتقاد به خدا است. این اعتقاد افق دید مسلمان را در زمان

واقعی او معنا پیدا می‌کند. در محور توسعه، انسان و هدف نیز رشد انسان است. بنابراین هدف آن است که مردم با حاکمیت بر سرنوشت خویش تضمین کننده اهداف توسعه و برنامه‌های آن باشند. لذا اولین و مهمترین رکن توسعه مردمند و ارکان دیگر باید بر مدار این رکن شکل بگیرد. مردم حقوق اساسی متعددی از قبیل حق حساب، سلامت، امنیت کرامت انسانی و ... دارند. لذا در توسعه اقتصادی مورد نظر اسلام باید مشارکت همگانی در گرفتن حقوق اساسی نهادینه شود» (دادگر؛ عزتی، ۱۳۸۳، ۹۵). در قیاس با توسعه غربی توسعه اقتصادی مطلوب اسلام بر مالکیت مختلط آزادی اقتصادی محدود و مسوولانه، دخالت مسوولانه دولت در امور اقتصادی و توزیع عادلانه تاکید می‌کند.

البته در اسلام بر لذت بردن از مواهب الهی تاکید شده است. از امام رضا علی نقل است که «از لذائذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راه‌های مشروع برآورید، مراقبت کنید در این کار به مردانگی و شرافت‌تان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید. تفریح و سرگرمی‌های لذتبخش، شما را در اداره زندگی یاری می‌کند و با کمک آن بهتر به امور دنیای خویش موفق خواهید شد» (مجلسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ۲۰۸)

در تحیل نهایی می‌توان نتیجه گرفت که راهبرد توسعه اقتصادی مورد نظر اسلام، فراهم کننده رشد مادی و معنوی رفاه دنیوی و سعادت اخروی همراه با عدالت و برادری است. در این راهبر دبر کرامت انسان و شایستگی او به عنوان جانشین خداوند بر روی زمین و حیات طیبه و جاودانی آدمی و رجعت او به سوی پروردگار تأکید می‌شود.

فراسوی مرگ گسترش می‌دهد (اصفهانی، ۱۴۱۸، ۲۷۰-۲۶۰).

ادیان به طور کلی یک تمایز بین آنچه که فرد در حال حاضر می‌خواهد یا به آن تمایل دارد و از طرفی دیگر آنچه که واقعاً برای او خوب است، پس آنچه که او باید بخواهد برقرار می‌کند. گذشته از ارائه بصیرت، مذهب در درک عقلانیت درست می‌تواند به پیروانش کمک کند. اسلام هرچند در این ویژگی‌هایش نسبت به سایر ادیان کاملاً متفاوت است، اما مانند آن‌ها تکنیک‌هایی دارد که مربوط به ترجیحات حقیقی و عقلانیت حقیقی است. با توجه به قرآن دو گرایش انگیزشی متضاد وجود دارد که عوامل تعیین کننده رفتار انسان‌ها هستند (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۹۳). در اینجا نفس کاملاً تحت سلطه انگیزه‌های مثبت تقوا و پرهیزگاری مثل صبر، تواضع، قناعت، سخاوت و ... است و یک عمل کاملاً در اظهار اطاعت از خداوند و سازگار با قصد خدا است. به وضوح دومی مربوط به چیزی است که مسلمین باید برای صحیح بودن ترجیحات در نظر بگیرند. ترجیحات واقعی یک شخص باید وابسته باشد به قدرت نسبی دو تمایل انگیزشی متضاد. در عقلانیت حقیقی (صحیح) از نظر قرآن عمل باید در مسیری کاملاً همراه با ترجیحات حقیقی "نفس مطمئنه" به عنوان مثال انگیزه‌های یک نفس والا تحقق یابد (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ۲۲۲).

اولین و مهم‌ترین درخواست اسلام از مؤمنین ایمان به الله، کتاب‌های او، پیامبرانش، فرشتگان و روز جزا است (بقره، ۷۷). این اعتقادات یک تغییر قابل توجه‌ای در رفتار و شخصیت فرد ایجاد می‌کند و تمام معنای زندگی را دگرگون می‌کند و قلمرو زندگی را وسعت می‌بخشد. انسان با ایمان با ارزش‌های اخلاقی والا زندگی می‌کند. اعتقاد به

زندگی اخروی و پاسخگویی او را از ارتکاب به تمامی فعالیت‌های بد- فعالیت‌هایی که مضر هستند نه برای جامعه بلکه برای فردی که آنها را انجام می‌دهد- به دور نگه می‌دارد (مجلسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ۹۸). با توجه به قرآن هدف اصلی زندگی مؤمنین کسب رضایت پروردگار است. به این منظور آنها از تمامی دستورات قرآن و حدیث پیروی (عنکبوت/۶۸) می‌کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مؤمنین که در قرآن و حدیث برشمرده شده اعتقاد محکم به روز جزا و پاسخگویی آن روز است. این مفهوم آنها را از هرگونه ظلم باز می‌دارد. از منظر قرآن، مؤمنین برای دیگران زندگی می‌کنند. آن‌ها همیشه آماده فدا کردن منافع جاری خود برای بهبود اوضاع دیگران هستند. حتی در شرایطی که فرد شخصاً نیازمند کمک مردم است باز برای دیگران فداکاری می‌کند (حشر/۹). از مهم‌ترین مشخصه‌های مؤمنین آن است که آنها تمامی درآمد خود را در راه خدا بخشش می‌کنند که والا تر از نیازهای خودشان است یعنی بر نیازهای خودشان ارجح هست (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۳۸۳). قرآن و حدیث مؤمنین را از نوع خاصی از فعالیت‌ها که در اصطلاح حرام نامیده می‌شوند منع می‌کند. مؤمنین اکیداً خودشان را از این فعالیت‌ها بر حذر می‌دارند. مطابق دستورات قرآن و حدیث مؤمنین باید از مردم فقیر جامعه مراقبت کنند (انسان/۸). این‌ها تنها برخی از ویژگی‌های مؤمنین هست که در قرآن و حدیث ذکر شده و در این جا به طور مخصوص بیان شده‌اند.

۶. نتیجه

مبانی تفکر غربی از انسان اقتصادی مبتنی بر نگرش مادی به حیات است. انسان اقتصادی،

هستند می‌تواند بر بصیرت‌های ما نسبت به نحوه تعامل انسانها در ظرف جامعه حقوقی و در واکنش به قوانین وضع شده بی‌افزاید، در عین حال، ایده کارآیی نظام حقوق عرفی، اندیشه‌ای خلاقانه است که بر اساس آن لااقل در موضوعاتی که صبغه و رنگ و لعاب اقتصادی دارند، می‌توان پژوهش‌هایی در خصوص نحوه تکامل و ایجاد تغییرات در نهادهای حقوقی و سیاسی صورت پذیرد. به دلیل اهمیت و صحت نتایجی که از طریق روش‌های تحلیل اقتصادی به دست می‌آید و نیز به دلیل واقعی‌تر شدن این نتایج و پیش‌بینی دقیق‌تر رفتار کنشگران حقوقی، توصیه می‌گردد، آمیزه‌ای از انسان اقتصادی و یافته‌های علوم دیگر مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و فقه، درباره نحوه رفتار کنشگران مورد استفاده قرار گیرد. همچنین توصیه می‌گردد، قانونگذار هنگام طراحی و اجرای قانون، نتایج تحقیقات تحلیل اقتصادی حقوق را مد نظر قرار دهد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

ابعادی از رفتارها و روحيات انسان است که در حیطه مطالعه اقتصاددان قرار دارد. از دیدگاه مکتب سرمایه‌داری، انسان اقتصادی «حداکثر کننده منفعت شخصی» تعریف می‌شود و پیجویی نفع شخصی در کنار عقلانیت ابزاری، ویژگی‌های مهم آن به شمار می‌رود. نفع شخصی نیز به سود مادی و این جهانی منحصر می‌شود. این تعریف و ویژگیها، مبتنی بر مبانی جهان بینی غرب از جمله اصول دئیسم، ناتورالیسم، فردگرایی و فایده‌گرایی است. با توجه به ویژگیهای انسان اقتصادی در فقه، می‌توان آن را «حداکثر کننده بهره‌مندیهای مادی و معنوی، دنیوی و اخروی در گستره تولید، توزیع و مصرف با بهترین ترکیب و با اولویت‌بخشی به منافع اخروی به هنگام تزامم» تعریف نمود. اینکه قرآن، برخی از صفات منفی انسان را که جزء ویژگیهای الگوی انسان اقتصادی سرمایه‌داری است، به عنوان صفات ذاتی اوپاد فرموده نیز، صرفاً «توصیفی» از «انسان تربیت نیافته» است و نه تبیینی از الگوی مطلوب.

اسلام نیز مکتبی است که بر جنبه‌های مادی انسان تأکید نموده، اما آنها را به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف متعالی یعنی، رشد تکامل و سعادت حقیقی انسان جهت تربیت الهی، عبودیت و نیل به مقام قرب ربوبی که از خلقت انسان مدنظر بوده است تلقی شود، بدون شک رسیدن به این اهداف مستلزم در دست داشتن ابزار مادی و معنوی است؛ به عبارت دیگر توسعه در اسلام رسیدن به اهداف متعالی انسان دارای ابعاد مادی و معنوی می‌باشد. البته استفاده پیش‌فرض انسان اقتصادی، لااقل به مثابه یک مدل ابزاری در کنار سایر مدل‌های رفتار انسان که متعلق به علوم دیگری مانند روان‌شناسی جامعه‌شناسی با زیست‌شناسی

منابع

منابع فارسی

- رابینز، استیفن، پی، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه فرزاد امیدواران، چاپ دوم، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۸۴.
- رافائل، دیوید، آدام اسمیت، ترجمه عبدالله کوثری، چاپ دوم، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۵.
- ریچلز، جیمز، فلسفه اخلاق، ترجمه آرش اخگری، چاپ سوم، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۷.
- ژید، شارل؛ ریست، شارل، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ساندلین، بو؛ مکائیل تراتوین، هانس؛ وندارک، ریچارد، تاریخ مختصر اندیشه‌های اقتصادی، ترجمه حمید رضا ارباب، چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۶.
- علم الهدی، سیدناصر؛ توکلی، محمد جواد، نقد و بررسی سیر تحول اندیشه انسان اقتصادی در اقتصاد متعارف، مجله معرفت، شماره دویست و هیجدهم، بهمن ۱۳۹۴.
- فولی، دانکن، مغالطه آدام اسمیت (رهنمودی به الهیات اقتصادی)، ترجمه علی سعیدی و حمیدرضا مقصودی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.
- قحف، منذر، «مروری بر الگوهای اقتصاد اسلامی»، ترجمه سیدحسین میرمعزی، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره بیست و یک، ۱۳۸۵.
- قدیری اصل، باقر، سیر اندیشه اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- کوتر، رابرت؛ ویولن، تامس، حقوق و اقتصاد، ترجمه یداله دادگر و حامد اخوان هزاوه، چاپ اول، همدان، انتشارات نور علم، ۱۳۸۸.
- ایروانی، جواد، «انسان اقتصادی از دیدگاه قرآن»، مجله پژوهش‌ها و آموزه‌های قرآنی، شماره پانزده، ۱۳۹۱.
- بافنده ایماندوست، صادق، «بررسی جایگاه انسان اقتصادی در اقتصاد متعارف»، دو فصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره اول، ۱۴۰۰.
- برونوفسکی، جیکوب؛ مازلیش، بروس، سنت روشنفکری در غرب از لئوناردو تا هگل، ترجمه لیلا سازگار، چاپ اول، تهران، نشر آگاه، ۱۳۷۹.
- بلاگ، مارک، اقتصاددانان بزرگ جهان، ترجمه حسن گلریز، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.
- بلاگ، مارک، روش شناسی علم اقتصاد، ترجمه غلامرضا آزاد، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
- بهمن پور، محمد سعید، فراز و نشیب عقلانیت، چاپ اول، تهران، انتشارات نوادر، ۱۳۷۹.
- تامس جونز، ویلیام، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۲.
- تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)، چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.
- جابری، علی، «علم اقتصاد متعارف و خودگروی لذت‌گرایانه»، نشریه معرفت اقتصادی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۹.
- دادگر، یدالله؛ عزتی، مرتضی، «عقلانیت در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره‌های نهم و دهم، ۱۳۸۳.

منابع عربی

- اصفهانی، محمدحسین، حاشیه کتاب الکاسب، تحقیق شیخ عباس محمدآل سباع، چاپ اول، قم، انتشارات ذوی القربی، ۱۴۱۸.
- خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، جلد بیست و یکم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۱.
- صدر، سیدمحمدباقر؛ الانسان المعاصر و الشکلة الاجتماعیة؛ کویت: منشورات دارالتوحید، ۱۳۸۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین، رسائل سبعة (رساله اعتباریات)، جلد اول، چاپ اول، تهران: بنیاد علمی و فکری استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی، چاپ حکمت، ۱۳۶۲.
- طوسی، خواجه نصیر الدین، تجرید الاعتقاد، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷.
- مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، جلد اول، چاپ سوم، دارالاسالمیه، قم، ۱۴۱۵.

منابع لاتین

- Becker, Gray, The Economic Approach to Human Behavior, 1nd Edition, New York, New York University Press, 1986.
- Kirchgasser, Gebhard, Homo Oeconomicus The Economic Model of Behavior and Its Application in Economics and Other Social Sciences, 2 Edition, New York: Publisher Springer, 2008.
- Simon, Herbert A, «A Behavioral Model of Rational Choice», The Quarterly Journal of Economics, No.1, 1955.
 - Simon, Herbert A, Reason in Human Action, 2nd Edition, California: Stanford University Press, 1983.

- محتشم دولتشاهی، طهماسب، مبانی علم اقتصاد (اقتصاد خرد و اقتصاد کلان)، چاپ بیست و پنجم، تهران، انتشارات خجسته، ۱۳۸۵.
- مشهدی احمدی، محمود، «معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا نگاهی به اختلافات موجود بین نهادگرایی قدیم و جدید و نقش نهادها در مناسبات اقتصادی»، نشریه پژوهشنامه اقتصادی، شماره اول، ۱۳۹۲.
- منظور، داود؛ سعیدی، علی؛ مقصودی، حمیدرضا؛ اصول موضوعه حاکم بر رفتار انسان اقتصادی از منظر معرفت دینی، مجله: پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره شصت و پنجم، بهار ۱۳۹۲.
- میل، جان استوارت، فایده‌گرایی، ترجمه مرتضی مردی‌ها، چاپ هشتم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۸.
- میل، جان استوارت، درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، چاپ سوم، تهران، انتشارات بنگاه نشر، ۱۳۵۸.
- نصیری، علی‌اصغر، «بررسی مناسبات امنیت اقتصادی متعالی و آزادی اقتصادی متعالی در نظام اقتصادی اسلام»، فصلنامه سیاست متعالیه، شماره بیست و هفت، ۱۳۹۸.
- نیاستی، حسین؛ نیک‌نژاد، جواد؛ عالم زاده، محمد، حقوق اقتصادی از منظر فقه با تاکید بر انسان اقتصادی، مطالعات فقه اقتصادی سال چهارم پاییز شماره سوم، ۱۴۰۱.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر، انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.

